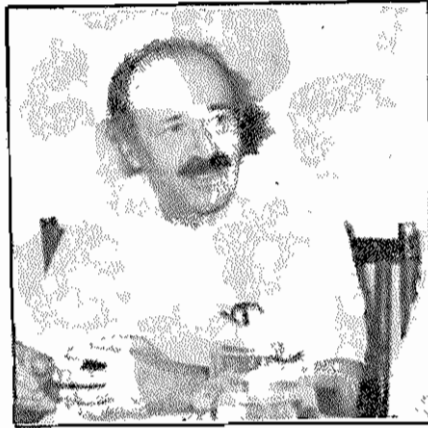


در سیر تکامل تاریخ، جبهه متحد خلق از نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی و انقلابیون هوادار اسلام

تشکیل خواهد شد



بخش اول متن کامل سخنان رفیق کیانوری در کنفرانس مطبوعاتی روز دوشنبه در شماره دیروز مردم انتشار یافت. در شماره امروز بخش دوم آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

قوام السلطنه يك نقشه امپریالیستی را مزورانه و ماهرانه اجرا کرد

سؤال شد، حمله ارتجاع به کردستان در ۱۳۲۵، آیا ارتباطی با مسافرت قوام السلطنه به شوروی داشت؟ رفیق کیانوری پاسخ داد، نه، قوام السلطنه واقعا با مهارت و تقلب دودز و کلک يك روباہ سیاسی موفق شد در يك دورانی قهقه خورشید خیلی سازد و يك نقشه امپریالیستی را خیلی ماهرانه پیاده کند و نقشه اش عبارت بود از سرکوب جنبش انقلابی ایران و تحکیم مواضع امپریالیسم امریکا و انگلستان در ایران ولی، این بهیچ وجه توأم با مسافرت او به شوروی نبوده. مسافرت شوروی هم جزئی از نقشه ماهرانه او بود برای اینکه آن نقشه واقعی را پیاده کند.

از دولت میخواهیم تکذیب یا تأیید کند

خبرگزاری فرانسه پنجشنبه گذشته از واشنگتن گزارش میدهد که ایالات متحده آمریکا مجدداً تحویل قطعات یدکی را برای اسلحه ساخت آمریکا به ایران آغاز کرده است. قیمت این قطعات یدکی حدود ۳۰۰ میلیون دلار است، که از مالیاتی که رژیم شاه مخلوع برای تضمین سفارشات نظامی خود سپرده و بخش عمده آنها پس از انقلاب ملغی گردیده، برداشت می شود. خبرگزاری فرانسه، به نقل از منابع ذیصلاح، می افزاید که این معامله شامل مهمات و وسائل «ذوق» نیست و منحصر است به قطعات یدکی برای هلیکوپترها و جنگنده های «فانتوم» اف ۴۱.

خبرگزاری آسوشیتد پرس گزارش میدهد که فهرست نخستین ۳۰۰ میلیون دلاری، شامل قطعات یدکی برای جنگنده های اف-۴، هلیکوپترها، ناوهای جنگی و کامیون های ارتشی است.

خبرگزاری فرانسه می افزاید که دولت ایران، علاوه بر این، فهرستی برای قطعات یدکی، که در فهرست قبلی نیست و مبلغ آن بالغ بر ۵ میلیون دلار است، نیز ارائه داده و تقاضا کرده است که برای تحویل آنها اولویت قائل شوند.

آسوشیتد پرس همچنین به نقل از منابع رسمی گزارش داده است که مبلغ تسلیحاتی که قرار است آمریکا به ایران تحویل دهد، ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بالغ میشود.

این رقم بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، بکلی غلط است. ولی خبرگزاری فرانسه می افزاید که سفارشات دیگری از جانب ایران وجود دارند. ولی مبلغ آنها از ۱۰۰ میلیون دلار تجاوز نمیکند. همان منابع ذیصلاح اظهار میدارند که مسأله کرات دربارہ این سفارشات در واشنگتن آغاز شده است.

ماز دولت میخواهیم اخبار فوق را تأیید یا تکذیب کند. دولت باید افکار عمومی را از معاملات انجام گرفته و معاملاتی که قرار است انجام گیرد و مبلغ هر يك از آنها مطلع سازد. ما با تعجب و نگرانی و بی صبرانه در انتظار بیانات رسمی دولت هستیم.

چرا فترت در مجلس خبرگان بوجود آمد مسئله حکومت، مسئله گرهی

«مردم» مدنیت که کارهای مجلس خبرگان را با مقایسه متن پیش نویس قانون اساسی و مصوبات این مجلس و همچنین نظریات و پیشنهاد های حزب ما، بترتیب تصویب اصول مطروحه مورد بررسی قرار میدهند. امروز میخواهیم این سلسله مقالات را قطع کنیم، در شماره بعد آنرا دنبال خواهیم کرد زیرا حادثه مهمی که نمیتوان بسادگی از آن گذشت، در مجلس خبرگان روی داده است. نوعی فترت سه روزه در کارهای جلسه علنی بوجود آمد و خوانندگان روزنامه ها و بینندگان تلویزیون حتی با خلاصه ای از چگونگی بحثها و اظهار نظرهای خبرگان آگاه نشدند. در عمارت مجلس سنای سابق، جلسات ادامه داشت، ولی خصوصی بود.

ساحب حاکمیت در جمهوری ایرانست و این حاکمیت چگونه باید اعمال شود، با شدت مطرح شده است. اگر کارهای مجلس خبرگان را دنبال کنیم، می بینیم که این بار مسئله وظایف و اختیاراتی که شوراها باید داشته باشند و حقوق و اختیاراتی که شورای نگهبان و رئیس جمهور میتواند از آنها برخوردار باشند، مطرح شده است.

چرا این فترت در کارهای علنی مجلس پیش آمد؟ صحبت بر سر بحث لنوی و جابجا کردن يك «واوه» یا «هر» مسئله ای حساس و جدی مطرح بوده است. درست مانند آغاز مجلس خبرگان، که فترتی پنهانی در کارهای علنی مجلس پیش آمد و بلافاصله پس از آن، که مصادف با وفات مجاهد بزرگ آیت الله ملاقانی بود، ماده پنجم مربوط به ولایت فقیه تصویب شد، اینک نیز مسئله مشابه در باره اینکه بالاخره چه مقام نیرویی



دوره هفتم، سال اول، شماره ۶۳ پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ دیال

به برادر کشی در کردستان باید هر چه زودتر پایان داده شود

با کمال تأسف، فاجعه کردستان ابعاد هر چه وسیعتری بخود میگیرد. خونهایی که بر زمین ریخته میشود، چه خون پاسدار و سرباز و چه خون پیشمرکه - خونی است که از قلب همه مردم ایران میچکد. برادران بدون هیچ دلیلی به جان هم افتاده اند. مرگ، خون، جنازه وسیلی از اخبار جنجالی و اکثر تحریک آمیز و مسموم کننده. و در نهایت تعجب و تأسف دیده میشود که هنوز مقامات مسئول، از سیر حوادث کردستان نتیجه گیری نکرده اند، و اگر هم کرده اند، هنوز عملاً تحولی در سیاست دولت درباره کردستان ایجاد نکرده اند.

جمهوری را از آن خود و خود را از آن این جمهوری میداند. خلق کرد به بقایای نظام طاقتور، که همچنان در کردستان باقی مانده است و یکی از اجزای آن ستم ملی است، معترض است و حقوق حقه ملی خود را در چارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران میطلبد. زمینه اصلی حوادث کردستان این است. شما آن کلمه واسل اعجاز آفرین را که «خودمختاری» و یا «خود گردانی» و یا هر لفظ دیگری که می خواهید (البته با محتوای انلای ستم و محرومیت ملی) بر زبان بیاورید و اعلام و اجرا کنید - اصلی که به وحدت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران و قدرت مرکز دولتی هیچ گزندی وارد نخواهد کرد و پالنگی آنها را تحکیم خواهد نمود. آنکه خواهید دید که آنها بر آنها پاشیده خواهد شد، و از کردستان، جز اتحاد و برادری، و ایثار در راه اتحاد و برادری چیزی دیگری نخواهد دید. ما

در صورت حل هر چه فوری تر و هر چه اصولی تر مسئله کردستان، هیچ کسی نباید کمترین تردیدی داشته باشد. همچنین باید بطور قطعی قبول کرد که نه توپ نه تانک و نه هواپیما و نه عملیات نظامی وسیله حل این مسئله نیست.

میدانیم که حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که نادرست بودن «راه حل نظامی» را مطرح کرد و کوشید تا برای نجات موهن ما از منحصه خونینی که بدست امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع در کردستان پاشیده، به رهبری انقلاب و بدولت موقت جمهوری اسلامی ایران یاری کند. اینک یاری دیگر، پاروخی سرشار از علاقه و بستگی با انقلاب ایران و تحکیم و تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه مسئولان کشور را باین مسئله جلب می کند که به عقیده راسخ و بی شک و شبهه ما، خلق کرد علیه جمهوری اسلامی ایران قیام نکرده است و این

نمیدانیم علت تأخیر در این راهوروش، که یکباره راه حل مردمی است، چیست؟ ما میدانیم که نیروهای امپریالیستی، صهیونیستی و بقایای رژیم سرنگون شده، بهلوی حوادث کردستان را تحریک میکنند. دوامین میزنند، چه بسا آنها خود را در صف مردم جاداداند و میکوشند تا از کردستان يك لبنان جدید و آزماها باد و میروان و سر دشت و... بربرتهای جدید و تلذعتهای جدید بسازند. چه باید کرد؟ بملت بودن گروهی از گمشدگان امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بهلوی درمیان چند میلیون مردم حقیقی، باید این مردم را سرکوب کرد؛ بنظر ما، باید آن حق مشروعی را که این چند میلیون مردم حقیقی میخواهند تأمین کرد. آنکه این مردم تفنگها را بر زمین می نهند و دست بدست دولت جمهوری اسلامی خواهند داد. پس از آن، اگر کسانی باز هم معارضه علیه دولت را ادامه دادند، بدانند که آنها مسلماً گمشدگان امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بهلوی هستند. آنوقت خود خلق کرد آنها را سرکوب خواهند کرد و احتیاجی به اعزام نیروهای جنگی نخواهد بود. ولی امروز، سرکوب مردم حقیقی، به عنوان سرکوب عوامل امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم بهلوی، نه تنها مسئله ای را حل نمیکند، بلکه

هرگز و مرج قضائی مرکز، جرئت از اولی هم بدتر بوده، به ۸ سال زندان و خلع لباس محکوم میشود. و بعد هم، بقول سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، «بعد از صدور حکم قطعی ۸ ساله، مهاجرانی را آزاد کرده اند».

نگاهی به سابقه فعالیت دادگاههای انقلاب نشان میدهد که در این دادگاهها، همگامی دادگاهها سرگرم محاکمه سرکردگان رژیم سابق بودند، روند حرکت آنها مترقی و در جهت پیشه کن- کردن عوامل ساواک و سیا بود. در این دوران، که تا اعلام عفو عمومی ادامه داشت، دادگاهها، از آنجا که با جرایم کم و بیش مشابه با جرایم رژیم سابق روبرو بودند، کاروا حکامشان روندی یکسان را طی میکرد.

متأسفانه اکنون می بینیم که احکام صادره از طرف دادگاههای انقلاب در شهرستانهای مختلف یکسان نیست. در يك شهرستان برای يك جرم متهم را زیر باران میکنند و در شهرستان دیگر، همان متهم را با همان جرم مثلاً به چند سال حبس یا چند ضربه شلاق محکوم میکنند. علت این دوگانگی چیست؟

این سؤال، که یکی از خبر نگاران، هنگام مساجحه با حاکم شرع تهران، آیت الله محمدی گیلانی، مطرح کرد، در واقع پرسش مردمی است که بر اساس اخبار منتشر شده، مدتی است متوجه شده اند که احکام دادگاههای انقلاب اسلامی، از محکمه ای به محکمه دیگر و از شهری به شهر دیگر، در مورد جرمهای یکسان، سخت متناقض و متفاوت است. این تناقض، همچنان که خبر نگار مطرح کرده است، گام از چند ضربه شلاق تا حکم اعدام برای جرمی مانند زنا، محسنه دیده شده است. در بعضی از شهرستانها احکامی صادر شده است که با موازین کفیری در اسلام تطبیق نمی کند.

دکتر علی قاسمی تراقی، عضو سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، هم نمونه ای از تناقض را ذکر کرده است. در ارتباط با مسأله آقای مهاجرانی، با اجازه توضیحی میدهم، و آن این است که، وقتی حکم اعلام شد، من يك مهاجرانی بین حکم و اصولی که در عنوانام بود، دیدم و این را منعمم نبودم که متعجب بکنم...

سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز در جای دیگر می گوید: «البته در مورد جنابانی که ایشان کرده (منظور مهاجرانی است) خیلی سریع من عرض کنم که کمتر از آقای دانش (دانشی چند ماه پیش اعدام شد) نیست و شاید تیب کار ایشان بدتر از او بوده...»

به این ترتیب، آنچنان که از حرف های بالا معلوم است، در يك دادگاه، شخصی را به اعدام محکوم میکنند و در دادگاه دیگر شخص دیگری، که بقول سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی

با اعلام عفو عمومی از سوی، و آغاز محاکمه کسانی که به جرمهایی نظیر لوایط، زنا، زدنی، خرید و فروش مواد مخدر و... دستگیر شده بودند، از سوی دیگر، در دادگاههای مختلف برای جرایم مشابه آراء متناقض صادر شد و این پدیده هر روز وسعت بیشتری یافت و متأسفانه در کنار آن، برخی از دادگاههای انقلاب، با استفاده از فرمان عنوانام، ایادی رژیم سابق را آزاد کردند و به تیز تر دادگاهها را، که باید تا زمانهای طولانی متوجه سرکردگان و ایامانندگان رژیم سابق باشد، متوجه افرادی نظیر سربازها و ایامانها کردند.

در حال حاضر گسترش صدور آراء متناقض، چنان روند سریعی را طی می کند که مردم را نگران سلسله «هرج و مرج قضائی» بر فضای دادسی کشور کرده است. فضای آنچنان آشفته که در آن دادگاهها نه بر اساس قوانین مشخص، بلکه بنیاد برداشتها و نظرات قضات متهمان را محکوم می کنند.

اکنون این پرسش مطرح میشود که حرکت بطرف این فضای آشفته، که از سوی مردم را نگران سر نوشت خود میکند و از سوی دیگر به ضد انقلاب فرست بهره برداری میدهد، توسط

چه کسانی انجام گرفته و از جانب چه کسانی سرعت میگیرد؟ حجت الاسلام محمد تقی عالمی، نماینده امام در میدان، از باندی نام برده که دادگاه انقلاب انلای این شهر را در اختیار گرفته اند. نماینده امام که معتقد است اعضای این باند به هیچ اصولی پایبند نیستند، در مساجحه ای، که در شماره هشتم مهرماه روزنامه کیهان چاپ شد، گفته است:

چند معمم ناآگاه، که اصولاً صلاحیت اظهار عقیده در مورد موازین شرعی را ندارند، چند روزی است مرتباً دستور حد و شلاق آراء صادر می دهند، که سوابق ضد انقلابی بودن این گروه بر همگان روشن است.

حاکم شرع تهران هم در مساجحه خود چنین گفته است: ششدهام در شهر آذر مورد کفر چند نفر اقرار کرده اند و یکی از روحانیون آذربایجان فقط باین اتهام که چند بار طاقتور را دعا کرده است، خلع لباس کرده اند و تمام دارائی او را مسدود کرده اند. این احکام بیشتر بر اساس عقده است تا موازین اسلامی».

باین ترتیب نماینده امام و حاکم شرع از طرفی نفوذ افراد مشکوک را به دادگاهها و از طرف دیگر دخالت دادن نظریات و حتی غریبش شخصی را بجای استفاده از موازین، سبب صدور آراء نادرست میداند، آراء نادرستی که باز هم بقول حاکم شرع تهران:

«در امر جرم از این موضوع بلند شده است، حتی آیت اله حائری توضیح داده اند که باید جلوی بعضی از این کارها گرفته شود. چرا بنظر چند سانس هر وین کسی را اعدام می کنید؟ باید جلوی این کارها گرفته شود».

ما هم برای اینکه مردم بیش از این نگران سر نوشت قضائی خود نباشند و فرست بهره برداری به ضد انقلاب داده نشود، با نظر حاکم شرع در جلوی گیری از ادامه هرج و مرج قضائی موافقیم. برای انجام چنین عمل مهمی با سازی دادگاهها از افراد مشکوک، غیر مسئول، ناآگاه و معترض، و مهمتر از همه، تدوین يك قانون مشخص برای همه دادگاههای انقلاب ضرورت فوری دارد.

دنباله سخنان رفیق کیانوری در کنفرانس مطبوعاتی

بقیه از صفحه ۱
آن قرارداد را در، قراردادش را انجام نداده باشد. مسلم این بود که ارتش شوروی از ایران بیرون می‌رفت. مادر این تردیدی نداشتیم، چون هیچ دلیلی نبود. قرارداد رسمی یا دولت ایران داشت که ارتش شوروی ایران را تخلیه نکند. حالا یک ماه، دو ماه، بلبل فنی تاخیر کردن، مسئله اساسی نیست. و در نتیجه مسافرت هم نبود. اصلاً وضع دنیا جوری بود که بقیه ما نیز از این مشکل بود که انجام بگیرد منتهی قوام السلطنه توانست با آن روش مزورانه و حيله گراناش پیشرفت ارتجاع را که مسلماً به این آسانی انجام نمی‌گرفت، آسان بکند. ما خودمان هم در یکی از تحلیل‌های آینده، حتماً این مسئله را با دقت بررسی خواهیم کرد و توضیح خواهیم داد.

تلاش برای آزادی روزنامه آذربایجان وتامین فعالیت آزادانه حزب درسراسر ایران ادامه خواهد داشت

رفیق کیانوری درباره آزادی روزنامه آذربایجان و مشکلاتی که بر سر راه فعالیت آزادانه حزب در سراسر ایران وجود دارد، گفت:
در باره مسئله روزنامه آذربایجان، همانطور که گفتیم، آن محدودیت‌هایی که تا حدود بسیاری در تهران از روی حزب ما برداشته شده، در شهرستان‌ها هنوز برداشته نشده است. ما در شهرستان‌ها هنوز باید، با سختی و بتدریج این روج را منتقل کنیم. به دادستان کرمانشاه، که تا کنون هنوز توده‌ایها را بیرون توده‌ای بودن اعدام می‌کند، همان‌ند این مطلب که حزب توده ایران دوبره می‌تواند در آنجا فعالیت علنی داشته باشد، کار آسانی نیست، برای اینکه افراسیاب‌ها را راست در بسیاری از شهرستان‌ها اغلب قوی هستند فوق‌العاده مهاجم و تجاوزکار و بایستی قدم به قدم این سکرها را پس گرفت و چون نیست که بتوان به آسانی گفت که جاده آسفالت جلوی ماست و بسادگی بهمان حالت بر می‌گردد... در بعضی جاها حتماً مشکل زیادتری خواهیم داشت و در بعضی جاها پیشرفت تندتر خواهد بود. ما فکر می‌کنیم که تجدید فعالیت ما در رشت آسان‌تر خواهد بود، شاید، مثلاً می‌گویم، در شیراز آسان‌تر خواهد بود، برای اینکه آنجا هم جمله اینقدر سخت‌آمیز نبوده است. ولی در بعضی جاها شاید به آسانی انجام نگیرد. ما قدم به قدم باید جلو برویم. در مورد روزنامه آذربایجان هم ما تمام تلاش خودمان را در مرکز خواهیم کرد، در چارچوب گرفتن آزادی فعالیت در سراسر ایران. آزادی روزنامه آذربایجان و تجدید فعالیت آزادانه سازمان حزب را در آنجا، بایستی حتماً بگیریم، ولی چقدر طول بکشد، این بسته است به مبارزه‌ای که ما داریم. در اینجا هم باید، باز دوبره از منطوبات می‌خواهیم که از این کوشش ما برای گرفتن آزادی برای فعالیت حزب در تمام ایران پشتیبانی کنند.

سوال شد، آیا در این زمینه اقداماتی شده؟
رفیق کیانوری پاسخ داد، گفتیم که تمام این تلاش در مجموع خودش هست.

سوال شد، گشایش روزنامه مردم یک مسئله جزئی بود، ولی آیا می‌توانیم انجام این جلسه را بعنوان اعلام رسمی فعالیت مجید حزب تلقی کنیم و آیا این باین معنی هست که شما فعالیت رسمی تری از نظر مذاکره با مقامات خواهید داشت یا نه؟

رفیق کیانوری پاسخ داد، ما الان خودمان را قانونی و رسمی میدانیم، و در این زمینه دیگری صحبتی با کسی نخواهیم کرد، تا پار دیگری از این هم رسمی‌تر بشویم، چون ما معتقد هستیم که مسئله فعالیت حزب توده ایران با بیرون آمدن روزنامه مردم، از نظر سیاسی عملاً تبدیل به یک مسئله واحد شده و حل این مسئله مشترکاً انجام گرفت. در تمام بحث‌هایی که ما داشتیم مسئله این بود، که این دو مسئله با هم حل می‌شود. در عین حال که در هیچ مرجعی ما گفته نشد که از فعالیت قانونی حزب توده ایران جلوگیری شده، ولی در عمل شده بود، برای اینکه مرکز حزب ما را باز نمی‌کردند. همین آزاد شدن روزنامه مردم، بهمان دلیل که اول گفتیم، یعنی برداشتن محدودیت از فعالیت حزب توده ایران است. تا قبل از این تاریخ، در اینجا و آنجا، در این گفته‌شده دولت یا آن وزیر، گفته میشد که حزب توده ایران هنوز غیر قانونی است، بایستی بدتکلیفیش معلوم بشود. در عین حال که مادر اینچنین فعالیت علنی داشتیم و فعالیت قانونی داشتیم - این مسئله الان حل شده است، یعنی تمام شده است، یعنی حزب توده ایران، مثل هر حزب سیاسی دیگری، فعالیتش به رسمیت شناخته شده است، بعنوان یک حزب قانونی که حق فعالیت قانونی و حق فعالیت آزاد در ایران دارد. به همین جهت است که، برای این مسئله اهمیت بخصوص قائل هستیم.

تمام نیروهای چپ راستین حق فعالیت قانونی و آزادانه دارند

سوال شد، نظر حزب درباره سایر گروه‌های چپ چیست؟
رفیق کیانوری پاسخ داد، ما معتقد هستیم که چپ‌وچپ‌گرا و چپ‌نم‌ها مفهومی کاملاً جداگانه است که نمی‌شود آنها را با یک گزینش و اندازنه گرفت. ما معتقدیم که گروه‌های چپ، گروه‌های چپی که صادقانه هوادار انقلاب ایران هستند و ممکن است که برداشته‌های مختلفی هم درباره انقلاب ایران داشته باشند، چه از لحاظ جهان‌بینی‌شان و چه از لحاظ ایدئولوژی‌شان و چه از لحاظ طرز تفکر و چه از لحاظ آنچه که باید انجام بگیرد، یعنی برنامه سیاسی عملی که باید انجام بگیرد، باید همه اینها در چارچوب جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب قانون اساسی ایران، آزادانه بتوانند ترویج کنند، تبلیغ بکنند، سازمان خودشان را بتوانند بوجود بیاورند. و هیچ عمل تجاوزکارانه‌ای مانع ترویج فکر و عقیده اینها نباید بشود. تا وقتی که آنها به قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی پاینده هستند، بایستی که این آزادی‌ها به آنها داده بشود. ما ضمن مبارزه برای آزادی حزب توده ایران، معتقدیم که این مبارزه برای آزادی همه گروه‌هایی است که آماده‌اند در چارچوب انقلاب ایران فعالیت بکنند و آن چهار اصل، که ما گفتیم چهار عنصر اساسی انقلاب ایران هستند، صادقانه وفادارند. روی این صادقانه ما خیلی تکیه می‌کنیم، چون بسیاری از گروه‌ها می‌توانند باشند که

دفاع می‌کنیم و با هر گونه مقام‌سازمان و گروهی که بخواهد این حق را از بین ببرد، مخالفیم.
و اما در باره، نظام شورائی در کارخانجات، ما نظام شورائی در کارخانجات را بهیچوجه نفی نکنیم، حق و آزادی سندیکائی کارگران نمیدانیم و باید بگوییم نظام شورائی یا شوراهای کارخانجات چه حقوق و چه وظایفی دارند، آن کسانی که می‌آورند کی هستند؟ اگر شورائی کارخانه اینچنین باشد که در بعضی کارخانجات عمل کردند که صاحب کارخانه و یک نفر نماینده کارگر می‌آید و بعد می‌گویند کارگران دیگر حق اعتصاب ندارند، حق مبارزه ندارند، حق اضافه مزد ندارند. هر چه که نماینده دولت و نماینده کارخانه که در کارخانه هستند، گفتند، اینجا موشود شورا، این کارهایی است که در تمام رزومه‌های استخدامی جهان همیشه سر طبقه کارگری گذاشته شده‌اند، آخرین آنها هم فاشیسم آلمان بود که این کلاه را سر کارگران گذاشته بود، بعنوان گروکارخانه. در آنجا هم طبقه کارگر اصلاً حق اظهار نظر نداشت. و الا آن هم در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری کوشش می‌کنند که یک چنین کارهایی بکنند. سندیکارها متحمل می‌کنند یا عملاً نقش را به سفر می‌رساند. به این جهت ما معتقد هستیم که نظام شورائی، اگر یک نظام ضد سرمایه‌داری و وابسته و ضد استثمار بی‌چون و چرای سرمایه‌داران غرورآبسته باشد و به کارگران و سندیکائی آنان کمک نکند، ما با چنین نظامی موافق هستیم، ولی اگر نظام شورائی بخواهد برای تحکیم و تثبیت و تشدید استثمار و جلوگیری از فعالیت کارگران باشد و بخواهد جانفشین‌سندیکا بشود، البته با آن موافق نیستیم. به این جهت برای ما مسئله به این شکل مطرح است که نظام شورائی درجه شرايطی بوجود بیاورد. جهت الاسلام احمد خمینی یک اصلی را گفت: ما به این اصل به عنوان نظریه‌ری انقلاب نگاه می‌کنیم که در این مورد هم فوق‌العاده اهمیت دارد. او گفت که اول جامعه اسلامی را بوجود بیاورید، بعد قوانین اسلامی را اجرا بکنید. تا آن بوجود نیامده شما نمیتوانید آن قانونها را اجرا کنید. شما اول جامعه توحیدی را در کارخانه بوجود بیاورید، یعنی در آنجا سرمایه‌دار اصلاً طبقه کارگر را استثمار نکنند، در آن صورت دیگر سرمایه‌دار وجود ندارد. چون وقتی که کسی استثمار نکند، او دیگر سرمایه‌دار نیست. به این ترتیب است که تا وقتی که سرمایه‌دار و کارفرما با خواستها، با حقوق حقه طبقه کارگر در تضاد قرار می‌گیرد - وجود دارد، طبقه کارگر حق دارد و باید از سازمان منعی خودش که از حقوق او دفاع می‌کند، برخوردار باشد.

سوال شد، در جواب سؤال من شما اشاره کردید که شاید اشاره‌ای بود که ربط داشته باشد به مسئله کردستان و سازمان چریکهای فدایی خلق در رابطه با کردستان، که چنانچه از آنجا حل بشود گویا جنبه بارزتری برای آنها بوجود می‌آید، ممکن است بفرمایید چه ربطی این دو تا مسئله باهم داشتند؟
اقتلا در کردستان در مبارزه مسلحانه شرکت می‌کنند. آنطوریکه ما اطلاع پیدا کرده‌ایم و در باره آنها هست، جنبه‌ای از آن گروه‌هایی که در کردستان فعالیت می‌کنند، تشکیل شده که یکی هم سازمان چریکهای فدایی خلق است. در اینجا مشکلی پیدا نمیشود. چریکها مبارزه مسلحانه می‌کنند با دولتی که قانونی است. این حزب نمیتواند در جای دیگری، در قسمتهای دیگر ایران، از قانونیت استفاده بکند. به همین دلیل است که گفتیم اگر مشکل کردستان حل بشود در مرحله سیاسی برای این مسائل پیدا بشود، بطور کلی زمینه توسعه و گسترش مبارزه علیه امپریالیسم پیدا خواهد شد. برای همین است که ما روی حل سیاسی مسئله کردستان و مسئله ملی اینقدر تکیه می‌کنیم، که این گره باز شود.

در سیر تکامل تاریخ، جبهه متحد خلق از نیروهای هوادار سوسیالیسم و انقلابیون هوادار اسلام تشکیل خواهد شد

سوال شد، تا چه حد به ائتلاف گروه‌های چپ معتقدید و تا چه حد امکان دارد؟
رفیق کیانوری پاسخ داد، ما طرفداران سوسیالیسم

امپریالیسم امریکا دشمن اصلی تمام خلقهای تحت‌ستم است
من، من مهدانم که نوین‌ترین مهربی از اینکه روح مجاهد بزرگمان اینچنین آزردم کرده، ولی این کافی نیست...
... پدیدر ملاقاتی مبارزه کرد، تا زنجیرهای استبداد و استثمار و استعمار را از دست‌وای خلق بگردد، ملاقاتی مبارزه کرد تا امپریالیسم را برای همیشه در این مرز و بوم به خاک بسپارد نه اینکه ستاد فرماندهی و عملیاتی داخلی آنها در کنار ما بازمی‌ماند؛ غارت و اسارت خلق و اینبار با کمک عواملی در پوشش دیگر ادامه دهد و این‌نه تجلیل از او بلکه

صنایع مونتاژ، ایران را وابسته به امپریالیسم میکند
باینکه بارها به مجلس خبرگان نوشته شده که بنویسید در قانون اساسی که هیچ دولتی حق ندارد صنایع مونتاژ را حمایت بکند و گسترش بدهد، چون صنایع مونتاژ در راه به بند کشیدن منافع جامعه است، باین همه اشاره به صنایع مونتاژ شده، یعنی بخش خصوصی که انگیزه فعالیت‌هایش کسب سود خصوصی است، برای بالا آوردن سود خودش سعی می‌کند چه بیشتر صنایع ما مانند کارخانجات ماشین‌سازی مونتاژ و غیره را بیشتر گسترش بدهد و ایران را به کشورهای امپریالیستی وابسته بکند یعنی هم خودش مردم را استثمار کند و هم اجازه بدهد امپریالیسم جامعه را استثمار بکند.
(امت - ۱۱ مهر)

کارزار تبلیغاتی و تحریر آمیز آمریکا علیه اتحاد شوروی و کوبای سوسیالیستی

پس از بحران دریای کارائیب در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱)، که از جانب آمریکا با هدف تهدید و فراهم کردن زمینه تجاوز علیه کوبای سوسیالیستی پدید آمد، این دومین بار است که دولت و محافل تبلیغاتی آمریکا، به بیانه وجود پرسنل نظامی شوروی در کوبا، کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای علیه این کشور سوسیالیستی به راه انداخته‌اند.

پرسنل نظامی شوروی در کوبا، عبارت از یک مرکز آموزشی است که هفتده سال پیش، پس از بحران دریای کارائیب یا بحران موشکها، طبق توافق اتحاد شوروی و دولت کوبا، در این کشور تشکیل گردیده و طبق بیانیه خبرگزاری شوروی «تاس» و اظهارات رئیس دولت کوبا، طی هفتده سال در وضع آن، چه از لحاظ کمی و چه کیفی، تغییری حاصل نشده‌است. روشن است که یک مرکز آموزشی، نه از لحاظ تعداد پرسنل و نه از لحاظ وظایفی که انجام میدهد، نمیتواند برای آمریکا و یا هر کشور دیگری خطر و یا تهدیدی تلقی گردد. جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا نیز، طی مصاحبه‌ای، در این مورد اعتراف کرده‌است که کارکنان نظامی شوروی، که اکنون در کوبا هستند، برای آمریکا هیچگونه خطری ندارند. ولی وی در همین مصاحبه، سیاست کوبا را با لحنی ناهنجار مورد حمله قرار داد و خواستار تغییر وضع در مورد مرکز آموزشی در کوبا شد. رئیس‌جمهور آمریکا

در همین مصاحبه اظهار داشت که آمریکا تصمیم دارد نیروهای مسلح و یابگاههای نظامی خود را در مناطق مجاور با مرزهای اتحاد شوروی همچنان حفظ کند. این چگونگی منطقی است که آمریکا، در حالیکه وجود یک مرکز آموزشی در کوبا، که صرفاً جنبه آموزشی دارد، مطرح است. اما روی ابقای نیروهای مسلح و یابگاههای نظامی در مناطق مختلف جهان، از جمله مناطق مجاور با مرزهای اتحاد شوروی، اصرار می‌ورزد و در سرزمین کوبا یا یابگاه نظامی خود را همچنان حفظ میکند؛ شاید دولت آمریکا را بسط بین‌المللی میان کشورها را هنوز با معیارهای اوائل سده کنونی، که امریالیسم حاکم مطلق بر جهان بود و در سیستم مستعمراتی اش آفتاب غروب نمیکرد، می‌سنجد و تصور میکند که قادر است با تهدید و ارعاب و تجاوز، خلقها را به تسلیم وادارد؛ اما روند تکامل تاریخ و تجارت مبادلات جهانی بخشی و استقلال طلبانه پیروزمند خلقها و شکستهای فزاینده این بزرگترین قدرت امپریالیسم جهانی در این عرصه بسیار، درست عکس این

وضع دشوار زندگی کارگران کورپوز خانه‌ها
در شهر کاشان، در منطقه گل آرا، حدود ۲۰ کورپوز آجریزی با حدود ۴۰۰۰ کارگر وجود دارد و این عسده کثیر حتی از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم‌اند. فقدان بهداشت و پسندیده بزرگترین مشکل زحمتکشان این کورپوز خانه‌ها را تشکیل میدهد. اگر یکی از کارگران بیمار شود، هیچگونه دسترسی به پزشک و دارو ندارد و برای نجات، در فاصله گل آراء تا کاشان، حتی یک حمام نیز نمیتوان پیدا کرد. این گوشه‌ای است از زندگی زحمتکشان کورپوز خانه‌های کاشان.

در مطبوعات کشور
آنها که از آزادی می‌ترسند
آنها که از آزادی افکار و عقاید می‌ترسند، به قول پدربا لسانی، «اسلام را نشناخته‌اند، یعنی آنچه را از خدا نیست و از جانب حق نیست، آنها را باسم خدا بدست ویای مردم ببندند و مردم را از حرکت حیاتی بازدارند، حق اعتراض و انتقاد به کسی ندهند، حلق فعالیت آزادانه به مردم و مسلمانیها و مردم آزاد دنیا ندهند، ولی آنچه پوشالی و بی‌محتوایست کنار زده میشود و آنچه در جهت توسعه است (حرکت بسوی جامعه بی‌طبقه توحیدی) در زمین ریشه می‌دواند. (انجمن دانشجویان مسلمان دانشکاه تربیت معلم - اطلاعات ۱۲هر)

قرارداد کمپ دیوید - نوعی بردگی جدید
یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، اعلام کرد که رژیم سادات، اسرائیل و امریالیسم آمریکا، با سرهم‌بندی کردن قرارداد کمپ دیوید، سعی دارند تحت شمار باصلاح خود مختاری فلسطینی‌ها، نوعی بردگی جدید به خلق فلسطین تحمیل کنند. عرفات گفت که اسرائیل با حمایت مالی و نظامی واشنگتن به تجاوزهای وحشیانه خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر، خالد همام دیگر رهبر فلسطین گفت که بیانیه‌های امریکا در مورد باصلاح تغییر موضع این کشور در مورد خاورمیانه، چیزی جز تلاشی برای ایجاد شکاف در صفوف خلق فلسطین نیست و امریالیسم آمریکا می‌خواهد راه را برای طرح صهیونیستی باصلاح خودمختاری اداری فلسطینی‌ها هموار کند.

کاهش نیروهای اتحاد شوروی در اروپای مرکزی گام مهم در راه صلح
در حالیکه محافل اترجاعی غرب همچنان تلاش دارند بر تشنج در اروپا و دیدگر نقاط جهان دامن بزنند، کشورهای سوسیالیستی اقدامهای تازه‌ای در زمینه کاهش تشنج در اروپا بعمل می‌آورند. لئونید برژنف اعلام کرد که اتحاد شوروی بطور بکجانیه شماره سربازان و تانکهای خود را در اروپای مرکزی کاهش می‌دهد. محافل تریخچوا اروپا وجهان این تصمیم را سهمی برجسته در راه آرمین صلح توصیف کردند.

این محافل انتظار دارند که پیمان نظامی ناتو نیز به اقدام اتحاد شوروی تاسی کند. با این همه برژنیسکی اعلام کرده است که امریکا طرح خود را در مورد استقرار موشکهای برد متوسط در اروپای غربی اجرامی کند. سازمان نظامی ناتو استقرار این موشکها را تصویب کرده است. ناتو همچنان از افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو سخن می‌گوید.

تهدیدی برای آمریکا است، مسخره است و تنها کشوری که در منطقه مداخله میکند، امریکا است.

اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی در اسرائیل
پیش از ۵ هزار نفر فلسطینی که در زندانهای صهیونیستی‌های فلسطین به رفتار وحشیانه مقامهای اسرائیل و وضع اسفناک بهداشتی در زندانها اعتراض دارند. اخیراً گزارش‌های بسیاری منتشر شد که حکایت از آن داشت که زندانیان عرب در اسرائیل زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار می‌گیرند.

غارنگری نامحدود انحصارهای نفتی
در سمنار «واپ»، که اخیراً در وین برگزار شد، اعلام شد که سود شرکت‌های غارتگر نفت، در بسیاری موارد بیشتر از درآمد کشورهای صادرکننده نفت است. در ارتباط با این واقعیت، اخیراً چند شرکت نفتی اعلام کردند که در شش ماه اول سال جاری، بیشتر از سه برابر مدت مشابه سال پیش سود برده‌اند. بسیاری از کشورهای غارنگری شرکت های نفت شده‌اند.

پیروزی بزرگ کمونیستهای ژاپنی
حزب کمونیست ژاپن در انتخابات پارلمانی این کشور پیروزی بزرگی بدست آورد. این حزب توانست شمار کرسی‌های خود را در مجلس نمایندگان از ۱۷۲ کرسی ۳۹۹ کرسی افزایش دهد. حزب حاکمه لیبرال دموکرات، که در واقع حزب محافظ مالی و صنعتی کشور است، نتوانست موضع خود را حفظ کند. این حزب امیدوار بود با برگزای انتخابات پیش‌رس و قبلاً از و خشم‌تر شدن اوضاع اقتصادی، موضع خود را مستحکم کند.

رویدادهای جهان

طرح به اصطلاح حفاظتی خلیج فارس - بیانه برای مداخله امریالیسم آمریکا در خلیج فارس
روزنامه پرآوازه اعلام کرده که امریالیسم آمریکا پسند نهال بیانه‌ای برای مداخله در امور کشورهای خلیج فارس است و طرح پیشنهادی رژیم سرسپرد قابوس نیز حلقه‌ای از یک زنجیر است.

پرآوازه نوشت که طرح باصلاح حفاظتی خلیج فارس، که از سوی رژیم عمان پیش کشیده شده، در واقع بوسه امپریالیسم آمریکا، که میخواهد همچنان منافع خود را در منطقه حفظ نماید، سرهم بندی کشته است.

طرح عمان تاکنون تنها از سوی رژیم سادات پذیرفته شده و معص اعلام کرده است که آماده است در صورت لزوم نیرو به خلیج فارس اعزام کند.

تحریرات آمریکا در دریای کارائیب
سختگیری پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) اعلام کرده که سه هزار وینفستفکننده دریایی این کشور، سوار بر چهار کشتی دریایی خشکی، در یابگاه گوانتانامو، دست به انوار خواهند زد. هدف از این مانور نمایش قدرت در دریای کارائیب است. لازم یادآوری است که زمانه اربابان و ناشکنان اخیراً، همزمان در خلیج فارس، آقیانوس هند و دریای کارائیب به نمایش قدرت دست زده‌اند.

روزنامه دگرانت، ارگان حزب کمونیست کوبا، نوشت که هدف از نمایش قدرت در دریای کارائیب اعمال فشار و ارعاب خلقهای این منطقه و امریکای مرکزی است. این روزنامه نوشت که این سخنان زمامداران واشنگتن، که کوبا نیروهای مسلح کوبا

چرا فترت در مجلس خبرگان بوجود آمد...

و تغییر باشد، باید که رای گیری سریع، از تصویب گذراند. مردم ایران حق مسلم خود میدانند که در این بحث حاضر باشند و شرکت کنند و نظر خود را بیان کنند و هم مطلع باشند که کسانیکه بمجلس خبرگان راه یافته‌اند، پیرامون این مسئله گریه چه میکنند و چه حکمی بسود این یا آن نظر ارائه میدهند، و بالاخره تکلیف آینه چه چیست؟

روزنامه جمهوری اسلامی، در شماره پریروز خود، قطع جلسات علنی را در رابطه با بحث پیرامون «اصول شورای رهبری و حکومت عرفی و فایده‌چند و اختیارات آن» میدانند. روزنامه انقلاب اسلامی موضوع میزگرد خود را - در روزهای اخیر - همین مسئله قرار داد و وزیر عنوان «مرجع یاربری» انتخاب یا بحث؛ نظرگاههای مختلفی را ارائه میدادند. این همان بحثی حل نشده‌ای است که بنسبست اصل پنج مطرح شده و تا بسود مردم و در راستای اهدافی که انقلاب بزرگ مردم بخاطر آن انجام گرفت، حل نشود، همچنان گره آن باز نخواهد شد. فترت سه روزه، جلسات خصوصی، احتراز از آگاهی و قضاوت مردم و توافقهای ظاهری، حلال مشکل نیست.

حجت‌الاسلام موسوی اصفهانی می‌گوید: «اگر مردم نظارت امامت را از دید عقیده و ایمانشان ببینند، پیاده میشود، والا پیاده نخواهد شد. بعبارت دیگر، اگر مردم مشارکت در تدوین و نظارت در اجرا نداشته باشند و خودشان را در اصل موافق نباشند و مطلقاً برخلاف صلاح و رأی آنها تصویب شود، بالاخره پیاده نخواهد شد و روی کاغذ خواهد ماند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید در همه‌تکات گریه و منجمله در این مسئله اساسی، چونیکوی انتظارات و شایسته انقلاب مردمی ما باشد و بتواند در عمل پیاده شود. قانون اساسی باید این اصل مسلم را، تصریح، تثبیت و تسجیل کند که تمام قوا از آن مردم است و مردم بر مقدرات کشور و سرنوشت خود حاکمند و هر قدرت دیگری نامشروع میشود و خود اعمال این حاکمیت و قدرت را در نظام شورائی بیان نماید و تنظیم کند.

آقای دکتر باهنر، طی مصاحبه‌ای که روزنامه جمهوری اسلامی با ایشان بعمل آورده، گفته است: «آنچه مطرح است، ارکانهای حکومت آینه و مسئله زیربنایست، وی با توجه با اهمیت و بی‌غریبی مسئله اضافه کرده که «بایستی فکری کرد، چون با این وضعی که پیش می‌رویم، ممکنست به بن بست برسیم».

راهی که به بن بست نرسد، راه توده مردم و

راهیست که وفادار به انقلاب و اهداف آن باشد، یعنی راه تصریح بی‌چون و چرای حکومت مردم و اعلام این اصل که آراء مردم حاکم است و تعیین بخدمت نظام شورائی بنسب و وسیله اجرا و انجام این حاکمیت. روزنامه جنبش می‌نویسد: «آنانکه با شوق تمام به جمهوری اسلامی رای داده‌اند، از خود می‌پرسند، آیا خبرگان در تنظیم اصول، مفاد «جمهوری و حاکمیت ملی» را در معنای الهی خود از یاد برده‌اند؟»

حجت‌الاسلام گلزاده مقنونی می‌پرسد: «اصالت را به کی قائمید؟ اصالت از بالا یا بپائین است یا از پائین به بالا؟» پاسخ میدهد: «نهاده مرجعیت و نهاد هر چیزی که با شک فکری را بکنید، برای انسانهاست و انسانها برای آنها نیستند». و اضافه می‌کند: «در اسلام حاکمیت برای بشری نسبت به بشر دیگر وجود ندارد. وی در بحث پیرامون مسئله حکومت می‌گوید: «طوری نباشد هر کس اسلام را وسیله اجرای مقاصد خودش بخواند قرار دهد و بدین یک چیزهایی را همینطوری بپوشاند بشکل اسلام». و در ادامه می‌گوید: «این دخالت‌های مستقیم بنام دین موجب تزلزل ایمان مردم می‌شود و بسبباً هم نمی‌تواند کاری بکنند».

خاتم زهر رهنورد، از نویسندگان اسلامی، در کیهان ۱۶ مهر ابراز عقیده می‌کند که: «امامت در مستضعفان زیربنای جامعه است و قدرت به‌بنامی توده تملق دارد و باید بدین جهت بازگرد و راه آنها از طریق مکانیسم شورائی انجام می‌گیرد. قوانین نیز از طریق مجلس شورا و مشارکت مردم از طریق شوراها و زیر نظر نهائی مردم باتکلیه بر آراء آنان باید تهیه شود».

آقای موسوی اصفهانی، که خود از جمله خبرگان است، می‌گوید: «من زیاد میخواهم از درون مجلس خبرگان مطالبی گفته باشم، اما خیلی مجمل و سرسبست می‌گویم که، بعضی قسمتها بر اساس چه معیارها و موازین است، افرادی را انتخاب کرده‌اند که لاف‌آلودی در برابر خلقی از مسائل نباشند، کمکی هم نیستند».

و با این افراد و معیار انتخابشان، البته نمیتوان آن قانون اساسی مورد انتظار مردم و شایسته انقلاب را نوشت و مسئله حاکمیت را بنسب و مطلوب و درست حل کرد.

آقای موسوی اضافه می‌کند: «این افراد (تدوین کنندگان قانون اساسی) باید حداقل شرکتی در انقلاب داشته و به یک خلاصه‌ای از اهداف انقلاب آشنائی داشته باشند».

و حتی همین حداقل شرکت و آشنائی هم نبود،

بقیه از صفحه ۱

آیت‌الله بهشتی علت تشکیل نشدن جلسات علنی را، بحث پیرامون «شوراها در واحدا کار» اعلام کرد، ولی اضافه نمود که چون اصول یک فصل که بهم مربوط بودند، مطرح بود، بطور کلی همه آنها را مورد بحث قرار دادند. در اولین جلسه علنی پس از فترت، اصول ۴۳، ۸۵ و ۸۶ در باره مرجع و قیبه و رهبر و شورائی نگهبان و مجلس شورا مطرح شده که نشان میدهد در واقع حدود اختیارات شوراها و دامنه اختیارات موضوع اصل پنجم، آن گره و مشکلی بوده، که برای احتراز از درگیرهای علنی، بحث آنها به جلسات خصوصی محدود شده بود.

حکام طرح مسئله ولایت فقیه و هم در حال حاضر، در واقع اصول اصلی اینست که، اینک، پس از انقلاب بزرگ و پیروزمند مردم ایران علیه نظام استبدادی و وابسته شاه مخلوع، چه کسی یا نیرو یا مقامی باید بر مقدرات مردم و سرینت سرمد ایران حاکم باشد؛ آیا مردم متشاه قدرت و حاکم‌اند؛ در این صورت چگونه باید این حکومت و قدرت اعمال شود و بکسی نشیند؛ آیا حکومت باید یک رهبر مندی یا قیبه واجب شرایط، است؛ در این صورت ولایت، بقش او باید چگونه، در چه حدودی و بچه شرایطی باشد؛ نقش شورائی نگهبان و قوه مقننه در این میان چیست؛ چه کسی حق تدوین قوانین و تصویب نهائی آنرا دارد؛ آیا مجلس شورائی که منتخب همه مردم است، نظر قطعی نهائی را میدهد یا گروه ۱۲ نفری منتخب بنام شورائی نگهبان، که شش نفرشان از روحانیونند و تصویب هر قانون و تصویبنامه‌ای منوط بتائید و تصویب اکثریت آنهاست؛ در این شیکه بفرنج، که حدود و مقور اختیارات و حقوق در آن قابل هر گونه تفسیر و تعبیری است، جای رئیس جمهور کجاست؛ نخست وزیر چه اختیاراتی دارد؛ چگونه میتوان به دوگانگی میان حکومت شرعی و حکومت عرفی پایان داد؛ در یک کلام، مسئله حکومت، آن مسئله گریه‌ای است که با شدت در دستور روز قرار دارد.

برای جستجوی راه‌حل یک چنین مسئله‌ای، نه فقط پنجاه شمت نماینده حاضر در جلسات مجلس خبرگان، بلکه میلیونها ایرانی مستقیماً ذیفع هستند. برای حل این مسئله بسود مردم، کشور و بسود انقلاب بود که این میلیونها مردم قیام کردند و رژیم حکومتی فاسد و فاجر قبلی را برانداختند. اکنون که چگونگی ثبت و ضبط و تسجیل این راه‌حل در قانون اساسی، یعنی مهمترین سند حقوقی کشور مطرح است، نمیتوان و نباید این مردم را بویخبر گذاشت و اختلافات و نظرگاههای مختلف خبرگان را پنهانی و در جلسات خصوصی رفع و رجوع کرد و بسد ماده‌ای را، که میتواند قابل بحث

تحلیلی از اوضاع جهان - آخرین قسمت

اصحاح و جنگ

از همان آغاز، بدنبال نطق وینستون چرچیل در فوالتون، پیدا بود که روح جنگ سرده، جهاده علیه نظام نوین سوسیالیستی است، که برخلاف پیش‌بینی امپریالیست‌ها در جنگ دوم نایب نشده، بلکه قویتر شد و اینک در کار نضج یابی بود. همین جهت که ونسپس می‌تواند (آئنی کونیسیم) به اصل راهنمای سیاست خارجی امریکا بدل شد. حساب این‌سود (ووست) که، ایدئولوژی انقلابی طبقه کارگر، به علل مختلف و از جهات گوناگون، دشمنان فراوان دارد، یعنی میتوان همه طرفداران سوردزی در جرائه سرمایه‌داری، همه مخالفان اسالت معرفت علمی، همه ملت‌گرایان افراطی، همه نژادپرستان، همه پرستندگان زندگی عاشاره و او باستانه، همه جاهلان مسموم را که ناخوانده و ناتوانی‌ها، هر مطلبی را باور میکنند، همه چاکرک‌نشانان و آقایان دوستان را بضررب تبلیغات و افتراآت رنگارنگ، علیه این «لولوی» و حشمت‌گ شوراند.

امپریالیسم «رسانه‌های گروهی» را، که به برکت رشد فنی قدرت معجز آساکسب کرده، بخدمت گرفت و تئوری باقی‌های رنگارنگ را با حقوق‌های گزاف بکار واداشت.

در اینجا چند چیز به‌معدد امپریالیسم آمده، یکی انحصار بمب‌اتمی، که‌وی آنرا، بویژه برای امریکاییان و سوسیالیستی، با بصری و قیافه‌های در هیر و شو مانا کاراکی بکار برد، و حال آنکه غلبه بر زاین، پس از شکست هیتلر، بدون توسل به چنین سلاح ایلیسی، امری سهل بود. دوم آنکه انقلاب علمی و فنی، بزرگی پس از دومین جنگ جهانی آغاز گردید، که ناگهان از جهت زرفنی (انتانسیف) بازار امپریالیستی را توسعه شکر داد و دهها کالای جدید الکترونیک و الکترونیک، الیاف مصنوعی و ماشین‌های سیرنیک و وسایل خودکارسازی (اتوماتیسم) و غیره را وارد بازار ساخت و در دستکارهای عادی صنایع یک تحول انقلابی بی‌سابقه ایجاد کرد و نو سازی و خودکارسازی صنایع را در مقیاس وسیع در دستور روز گذاشت.

در حالیکه کشورهای سوسیالیستی اروپای خاور میانه و شرق و ویرانه‌ها و کیمودها و تنگناها بودند و میبایست کار را از ساعت صفر، یا تقریباً از هیچ آغاز کنند، در همان ایام امریکا، که در جنگ دوم جهانی تلفاتی ناچیز داده و سودهای هنگفت برده بود، وظیفه خودکارسازی صنایع خویش را عملاً به سرانجام رسانده بود.

این شرایط به امریکا امکان داد که متحدین خود را در اروپای غربی و دین زاین را با سرعت از خاک انداز جنگ و شکست بلند کند و یک سیستم جهانی از انقلاب‌های نظامی سیاسی و پاپی‌ها‌های جنگی برای آغاز «جنگ سرد» و عندالاقضاء، تبدیل آن به «جنگ گرم» یا شتاب بوجود آورد و بسا حرارت دست به تسلیحات و نظامی کردن اقتصاد بزند.

انحصار و پتانز اتمی و انقلاب علمی و فنی در عین حال به امریکا و متحدینش اجازه داد که بر غارت و حشمت‌ها خود از منابع ثروت جهان، نفت ایران و عربستان، پنسمصر، موز و قهوه امریکایی لاتین، الماس و طلاهای آفریقا، کاپوچوک خاور دور و دهها دهها فلز نادر و گرانبها مانند اورانیوم، و لفر، تونکن، مولیبدن، تیتانیوم و غیره بیافزاید و طی دوده، کار چند قرن قارت را انجام دهند و حتی مادم نم‌سنگی خالی شده خود را از ذخایر نفت دیگران بیایانند.

روزی که تاریخ لرزاننده جنگ سرد نوشته شود، بشریت خود از اینکه در چنین دورانی میزیست به خود می‌لرزد، دورانی کاملاً بی‌نظیر در تاریخ میلیون ساله انسانیت. ولی فواره، که با و لیه جنون آمیز اوج گرفته بود، هم اکنون رو به سرنگونی نهاده است. تشدید بحران عمومی سرمایه‌داری و تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی، همراه با تعرض صلح، مشخصات دوران ما را بیش از پیش برملا کرد.

منظور از «بحران عمومی سرمایه‌داری» غیر از بحران اقتصادی قطعی، بلکه بحران هم در اقتصاد و هم در سیاست است. تا قبل از انقلاب اکتبر، ما در سرمایه‌داری تنها با بحرانهای اقتصادی روبرو بودیم، که «بحران اضافه تولید» بود. جنگ اول جهانی و جد شدن روسیه سابق از سیستم جهانی سرمایه‌داری، آغاز مرحله اول بحران عمومی سرمایه‌داری است. زیرا این بحران به عرصه سیاست نیز سرایت کرد. جهان یکپارچه سرمایه‌داری شکست برداشت. یک ششم جهان، به برکت انقلاب کبیر اکتبر، اقتصاد و سیاست و بازار و فرهنگ و شیوه زندگی خود را از جهان سرمایه‌داری جدا کرد.

جنگ دوم جهانی و جدا شدن برخی کشورهای آسیا و اروپا و امریکای لاتین از سیستم جهانی سرمایه‌داری، آغاز مرحله دوم بحران عمومی سرمایه‌داری است. سیستم جهانی سوسیالیستی بوجود آمد. بازار جهان بشمول سرمایه‌داری به دو بازار تقسیم شد. بحران سیاسی سرمایه‌داری زرفرت گردید.

در سالهای پنجاه این بار بدون جنگ، سیستم مستعمراتی امپریالیستی در اثر مبارزه جانانه خلق‌ها و بیرکت وجود و پشتیبانی اردوگاه سوسیالیستی و رقابت درونی خود امپریالیستها فرو ریخت و چیز چند کشور، در سالهای ۶۰، همه کشورهای مستعمره سابق به کشورهای نواستقلال بدل شدند. امپریالیسم مجبور شد سیاست گهنة استعماری خود را به سیاست نواستعماری تبدیل کند، یعنی اسلوب ظریف غارت اقتصادی را جانشین اسلوب خشن تسلط نظامی - سیاسی سازد. البته اسلوب استعماری گهنة نیز، هر جا لازم بود، بکار رفت.

همراه این بحران عمیق، که دمیدم تشدید میشود، تناسب نیروها نیز تغییر کرد. زیرا،

الف) کشورهای سوسیالیستی بسر عواقب جنگ غلبه کردند و به قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی شکر فنی بدل شدند.

ب) در کشورهای «جهان سوم» عده‌ای از کشورها در جهاد تکامل ضد امپریالیستی گام هشتند، این کشورها در مقابل غارتگری امپریالیستی، و از آنجمله درفت، ایستادگی میکنند. نقش «ایک» در این میان نظر گیر است. کشور ما پس از انقلاب و خاتمه دادن به سیاست خائنه‌ها پهلوی میتواند در این نقش مؤثری را ایفا کند.

ج) مسئله بازار در اقتصاد سرمایه‌داری، که موقتاً در اثر ویرانه‌های جنگ دوم و انقلاب علمی و فنی از حدت افتاده بود، در اثر رشد سریع کشورهای اروپای غربی، ژاپن، کانادا،

استرالیا و ولانده، آفریقای جنوبی و برزیل، حدتی که در تاریخ بی‌سابقه است، یافت.

د) جنبش‌های انقلابی و مترقی، کارگری و سندیکائی، زنان، دهقانان، جوانان، سباهان و دیگر نژادها و اقوام و غیره بسطی بی‌نظیر یافت و می‌یابد (و از آنجمله در خودکشورهای امپریالیستی و در ایالات متحده، که زمانی «بهشت آرام سرمایه‌داری» بود). همه اینها اقتدار انحصاری و آشنگتن را در عرصه سیاست و اقتصاد بشدت متزلزل ساخته است و میسازد.

دراثر این تغییرات جدی، که در تناسب نیروها روی داد، گفته‌ها بالا و پایین رفت و امپریالیسم ایشکار تاریخی را از دست داد و مجبور به عقب‌نشینی و مانور شد و کشورهای مترقی بویژه سوسیالیستی، دست به تعرض زدند. این تعرض، تعرض صلح نام دارد. زیرا بر خلاف تعرض امپریالیستها در دوران جنگ سرد، هدفهای صرفاً صلح آمیز، مانند خلع سلاح، امنیت جمعی، تأمین مرزهای موجود، قرارداد عدم تعرض و تجاوز، همزیستی و مسابقه مسالمت آمیز، بسط همکاریهای بین‌المللی، خاموش کردن اجاقهای جنگ، تشنج‌زدائی، خاتمه دادن به رژیمهای ضد خلقی دوران جنگ سرد و غیره را هدف خود قرار داده‌اند.

دوران ما، دوران گذار از رژیم بهره‌کشی طبقاتی به نظام همبستگی خلقها و پایان انواع بهره‌کشیها و ستمهاست. لئونید برژنف درین کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، پس اساسی سیاست دریناماری که مبتنی بر محاسبه علمی گرایش‌های حوادث است، تاکنون دوبار تصریح کرده است که «پشتیبانی به قرن بیستم و یکم در شرایط صلح جهانی و دوستی خلقها وارد میشود. این بشریتی است دارای محتوی جدی.

نتیجه‌ای که از سخنان پیش گفته میتوان گرفت آنست که، نهضت انقلابی کشور ما باید سیاست خود را با درک عمیق شرایط جهان و ایران، که در گره‌های بسیار در آن راه یافته تنظیم کند، تا بطننا نرود. لنین میگوید:

«اشتباه عمده‌ای که انقلابیون میتوانند مرتکب شوند، آنست که به واپس بنگرند، به انقلابات گذشته بنگرند، و حال آنکه زندگی اینهمه عناصر نوین بوجود می‌آورد، (کلیات یفرانه - جلد ۲۴ صفحه ۱۳۵).

مارکس میگوید: «باید اشیاء را، چنانکه هستند، در نظر گرفت، یعنی از منافع انقلابی، از آن طرفی که با وضع دگرگون شده مطابقت دارد، دفاع کرد.» (کلیات آثار - جلد ۳۱ - صفحه ۳۳۸). هم او میگوید: «انسان تنها با مصالحی کار میکند که جامعه در دسترسش میباشد.»

لذا باید با خوش‌بینی انقلابی، نبرد بود بشریت و بزبان ستکاران و بهره‌کشان راه، علیرغم هر دشواری که در راه باشد، بسوی پیروزی برد و بدین پیروزی باور خارا آیین داشت در حق آن، درسوره «حجر» آمده است، «و بشر ناک‌بالق ولانکن من قانونین، یعنی بشو مؤذنه راستین داده‌ایم و از نو میدان میساش.

پایان

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هوشونان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید است که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه و بختار تحکیم دستاوردهای انقلاب و نو سازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فدکاری‌های اعضاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضاء، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۳۳۵۰۹، ۹۳۳۵۰۸، ۹۳۳۵۰۷ آدماگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۴۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی (ایران نوین سابق) بپردازند.

از انتشارات حزب توده ایران

عنوان مؤلف
گفتاری درباره امپریالیسم نورالدین کیا نوری
برخی مسائل حاد انقلاب ایران احسان طبری
(مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مردم»)
اقتصاد سیاسی (درستامه) ف. جوانشیر
ماتریالیسم دیالکتیک (درستامه - کتاب اول) امیر نیک‌آئین
ماتریالیسم تاریخی (درستامه - کتاب دوم) امیر نیک‌آئین
چهره‌های درخشان مریم فیروز
داوریهای بجا و نایب
(مجموعه‌ای از اظهارات سیاستمداران و شخصیت‌های خارجی درباره «کشور شوروا»، در دوران پس از انقلاب کبیر - سوسیالیستی اکتبر) کرد آوردنم. ف.
حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات منتشره در «مردم»)

«مردم»
ارگان مرکزی حزب توده ایران
نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۳۵۹۰
چاپ: کاپیان

درباره آخرین مصاحبه مطبوعاتی وزیر کشاورزی و وظایف اصولی این وزارتخانه باید حق به حق دار و زمین بدهقان برسد

وزیر کشاورزی یک مصاحبه مطبوعاتی داشت، که در روز درج‌یاد انتشار یافت. وی سه وظیفه اصولی برای وزارت کشاورزی برشمرد، که نخستین آن، انجام اصلاحات ارضی و بنیادی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و واگذاری کلیه اراضی بکسانیکه روی آن زحمت میکنند، نیست، دومین و سومین وظیفه هم نیست ۱- برعکس آنچه که پس از انقلاب بزرگ مردم زحمتکش ایران انتظار می‌رود، اولین وظیفه وزارت کشاورزی، بقول آقای وزیر، عیادت است. «تأمین امنیت برای انجام امور کشاورزی».

لایه میگویند خوب، اینکه عیبی ندارد. باید هم برای انجام امور کشاورزی امنیت باشد. ولی این فقط ظاهر قضیه است. آقای وزیر می‌خواهد برای مالکان بزرگ، که ساهاست خون دهقانان را در شیشه کرده‌اند و حالا هم می‌خواهند حتی بیشتر از سابق و با جنگ انداختن بر زمینهای جدیدی به بهره‌کشی خود ادامه دهند، «امنیت» را فراهم سازد.

دهقانان حق طلب می‌گویند، «زمین مال ماست، مال کسی است که آنرا می‌کارد و زرع مال کسی نمی‌تواند باشد، جن مال زارع.

و همین «امنیت» اربابان را در دخلی انداخته است! با این دید معلوم می‌شود که چرا محافظ معینی، در بسیاری نقاط از کشور، متأسفانه جانبداری از مالکان را در برابر دهقانان وجهه همت خود قرار داده‌اند.

آقای وزیر صراحتاً در مصاحبه مطبوعاتی خود می‌گویند: «برای منظور اول، یعنی تأمین امنیت زراعی و بویژه همانند از تجاوز عده‌ای عوامل فرست طلب به اراضی زراعی، بیش از هشتاد تصویبنامه و لایحه قانونی تهیه شده است.»

«عوامل فرست طلب» چه کسانی هستند؟ اربابان طماع یا دهقانان خواستار زمین و خواستار رهائی از چنگال استثمار ارباب؟ بزم آقای وزیر، دهقانان دارند از «فرست» انقلاب بزرگ مردم ایران استفاده می‌کنند و «جسارت» را بجائی رسانده‌اند که دارند به اراضی زراعی آقایان مالکان محترم «تجاوز» می‌کنند و وزارت کشاورزی می‌خواهد از این «تجاوز» جلوگیری کند. هشتاد تصویبنامه که بهیل است، هشتاد هزار تصویبنامه هم نمیتواند حق مسلم دهقانان را بدانشان زمین و آب و کوشش مستقانه برای رشد سالم کشاورزی ایران و تأمین محصول مورد نیاز همچنانکه امام نیز لزوم آنرا بارها گوشزد کرده‌بکورد.

مردم انقلاب نکردند که استعفا فشان در رژیم جمهوری اسلامی هم ادامه پیدا کند. زمین زراعی حق خود دهقانان است. این فرست طلبی نیست، حق طلبی انقلابی است. تجاوزگر آن مالک بزرگ و زمیندار غارتگریست که کاری نمیکند،

خبرگزاری فلسطین «وفاء» اطلاع میدهد:

حزب توده ایران حمایت خود را از امام خمینی و انقلاب فلسطین اعلام میکند

کنفرانس مطبوعاتی خود اضافه کرد که باید از یک دیدگاه به منطقه نگاه کرد و آن دیدگاه انقلاب است و باید همبستگی خود را با انقلابیون برقرار کنیم، زیرا امپریالیسم خود را با این انقلاب در پیچیده کرد و عوامل بین‌گروهی که دوشادوش هم انقلاب را برهبری امام خمینی به پیروزی رسانده‌اند، دامن‌زدند.

کیانوری از توطئه‌های امپریالیسم در خلیج سخن گفت و اضافه نمود که امریکا نقشه‌هایی را در خلیج طرح‌ریزی میکند و توسط بعضی از مزدوران اشغال قابوس و با همکاری سادات خائن، که خاک کشور مصر و آرمان فلسطین را زیر پا گذاشته و به سوی سهو و نوزم امپریالیسم آمریکا گرایش پیدا کرده اجرا میکند. تمامی این توطئه‌ها در خلیج بیخاطم این است که امپریالیستها از تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه بی‌مناکند. امپریالیستها سعی دارند منافع اقتصادی خود را در خلیج حفظ کنند. ما باید مشخص کنیم که چه کسانی دشمنان ما هستند. کارتی با لایحه تمسخر آمیز میگوید: «من میتوانم انقلاب ایران را در یک کلمه، ولی کار در حقیقت برای شربزدن به انقلاب ایران تلاش میکنم.

به برادر کشی در کردستان باید هر چه زودتر پایان داده شود...

بقیه از صفحه ۱
نخواهد کرد، بلکه وضع را برنگزیر خواهد کرد. خوشبختانه در روزهای اخیر مطبوعات، محافل و شخصیت‌های اجتماعی کشور، با احساس مسؤلیت بیشتری به بررسی حوادث کردستان می‌پردازند و راه حل‌های معقول و مردمی پیشنهاد میکنند، از جمله روزنامه «اتحاد بزرگ» نوشته است:

«دقت عمل در کردستان درمان درد نیست» و روزنامه اطلاعات، زیر عنوان «بر مردان کردستان کجا هستند» مقاله‌ای انتشار داده، که در آن از جمله می‌نویسد، «چرا در کردستان یک مرد پیدا نمیشود؟ چرا یک نفر آدم ابرمرد یا جلونیگ‌گازد... نسبت به هر دو طرف پرخاش کند و راه حلی معقول و بیابان دهنده به مرافعه عرضه کند... مردی بفتند جلور، که تاحدی شعور و فهم و درایت اینگونه کارها را نیز داشته باشد، یک راه میان‌بر و شرافتمندانه ارائه کند و مسؤلینهایش را نیز بعهده بگیرد...»

خوشبختانه بر تعداد پیشنهادها و اظهار نظر های مثبت در این زمینه هر روز افزوده میشود. باید بگوئیم که برای اجرای این امر خیر نه تنها یک «ابر مرد» داوطلب، بلکه یک نیروی سیاسی داوطلب صاحب نفوذ و با اعتبار یعنی حزب توده ایران وجود داده، که طی چندین اعلامیه و سند رسمی در ارگان مرکزی خود، «مردم»، راه حل درست مسئله کردستان را پیشنهاد کرده و آماده است، دمووریکه امکانات و شرایط لازم در اختیارش گذاشته خود، با

سفر وزیر نیرو و به اتحاد شوروی

روز پنجشنبه گذشته آقای مهندس ناچ، وزیر نیرو، به همراه آقایان مهندس ریاضی و مهندس مانتان، به دعوت سازمان های اقتصادی شوروی به آن کشور مسافرت کردند. میان هیئت نمایندگی و وزارت نیروی ایران با هیئت نمایندگی شوروی در زمینه همکاریهای فنی اقتصادی میان دو کشور، مذاکراتی انجام گرفت که آقای دکتر مکرزی سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی نیز در آن مذاکرات شرکت داشت. هیئت نمایندگی ایران در این دیدار از موسسات برق اتحاد شوروی بازدید خواهند کرد. آقای دکتر مکرزی در مورد همکاریهای اقتصادی و فنی ایران با اتحاد شوروی اظهار داشت: «مسائل مربوط به روابط اقتصادی و همکاریهای فنی میان ایران و شوروی با قاطمیت و بر اساس حفظ منافع مشترک آگاهانه دنبال خواهد شد.»

تمام مسؤلیت در حل این مشکل عظیم، یعنی حل مسالمت آمیز و دمکراتیک مسئله کردستان، بر مبنای رفع ستم ملی از خلق کرد و در چارچوب حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی و قدرت متمرکز دولتی، به دولت جمهوری اسلامی ایران سارقانه پاری کند. اگر دولت از این پیشنهاد کمک و یاری حزب توده ایران استقبال کند، حزب ما هر لحظه آماده هر نوع همکاری است و یگانه انگیزه حزب ما در این امر خیر نیز نجات انقلاب بزرگ ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران از تلامبی است که اگر امروز پسیان نیابد، احتمالاً عواقب بفرنجتری بسیار خواهد آورد.

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد